

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

باز تایید توسط : طارق هوادار (ساما- ادامه دهندگان).

نویسنده : زنده یاد عبدقیوم (رهبر)

۱۱ دسمبر ۲۰۱۱

از مقاومت تا انقلاب

از انقلاب تا پیروزی در ضرورت اوضاع کنونی

۴

در ساحه فرهنگی به ضد فرهنگ اسارت با ر، ضد ملی و ارتجاعی که دولت مزدور نیز با تمسک به تبلیغات ارتجاعی بخشهایی از جنبش مقاومت همواره نهضت مقاومت ما را کلا ارتجاعی و ضد ترقی خوانده است، جنبش مقاومت پرشور خلق ما به نهضت فرهنگی ملی، آزادیخواه و مترقی ضرورت داشته است تا با افشاء ماهیت فرهنگ استعماری- ارتجاعی، در سطح ملی و بین المللی هویت ملی، آزادیخواه و مترقی جنبش مقاومت را برای رسوائی دشمنان این فرهنگ، تثبیت و تسجیل می نمود. این امر میسر نمی گردد مگر این که سپاه پیشتاز و روشن فکر فرهنگی کشور با بسیج و همسوئی این نهضت بزرگ را آگاهانه هدایت می کرد. و همین طور در ساحات دیگر تا آخر ...

در نتیجه گیری خلاصه نهائی باید گفت: طی این ده سال باید جنبش مقاومت حق طلبانه خلق ما در جریان رشد مستقلانه اش نهاد ها، مدل ها، تأسیسات و بدیل های مشخص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و ... در تقابل با نهاد ها، مدل ها، تأسیسات و بدیل های استعماری- ارتجاعی را عملاً متحقق می ساخت.

و اما ما در اینجا به جای بر شمردن یک به یک و ابستگی های تفرق را که جنبش مقاومت ما را شقه، شقه نموده است، چپاول گری های وحشتناک، ظلم و حق تلفی های فراوان، حاکمیت انحصار گرایانه توأم بابی عرضه گی های که طی این مدت در حق مردم به پاخاسته و قهرمان، از جانب نیروهای ارتجاعی که با هزار و یک رشته در وابستگی و سر سپردگی به قدرتهای بیگانه به سر می برند همین قدر متذکر می شویم:

آری! اینگونه نهاد ها، مدل ها، بدیل ها، و بالاخره حاکمیت سیاسی- نظامی را مردم به خون نشسته آزاده ما با گوشت و پوست لمس کردند. آنهم به صورتی که اگر از یکسو امپریالیستهای تجاوزگر روسی و دولت مزدور و برجبان و مال شان و بر ثروت های مادی و معنوی شان آتش زدند و زمینهای سوخته به جا گذاشتند. از سوی دیگر

نیز نحوه رهبری، حاکمیت امانت نگهداری، عدالت خواهی، حراست از ثروتهای ملی و... راکه طی این مدت نیروهای ارتجاعی و وابسته با استفاده از امکانات باد آورده جنبش مقاومت به پیش برده اند، با چشم سر مشاهده نمایند و اکنون رزمندگان و مردم قهرمان ماچه در داخل وچه در محیط مهاجرت از این ناحیه و از این تجربه داغهای خون چکانی را بر پیکر خود حمل می کنند که فریاد درد آن هرطرف بلند است.

چه ملت ماخود این جریانات اسفناک را بهتر از ما لمس ودرک کردند، این همان جانب قضیه است که مردم رزمنده و آزاده ما در لحظه کنونی نمی توانند با وجود دیدن شکست نسبی دشمن، خشم و افسردگی خود را پنهان کنند بر اساس واقعیت این فشار دو جانبه است که مردم ما از افتادن سرنوشت شان به دست این دو نیرو (استعماری - ارتجاعی) سخت در نگرانی به سر می برند و در جریان پالیدن رهبران واقعی و گم گشتگان خوداز فرط تنگ دستی و عسرت به راه سومی پندارگرایانه روی خوش نشان می دهند و براساس این اوضاع وپیدائی این گرایش است که شرق و غرب روی استفاده سوء از این، در پی ایجاد بدیل های وابسته و غیره مردمی "سومی" هستند.

و اما در این میان باید نگاهی به رهبران صدیق زحمتکشان، افغانستان و پاسداران اصیل آرمان آزادی واقعی کشور رهائی ستمدیدگان انداخت.

نیرو های اصیل انقلابی و ملی در رهپری راه صعب العبور و خونین مبارزاتی همواره از میان این دو کوه گران ستیزنده به پیش شتافته و به عنوان ستاد پیشتاز، پیش مرگ، روشنگر و خدمتگذار ستمکشان افغانستان فریادش را بلند نگهداشته و کوشش نموده تا با گذار از میان موجهای آتش و خون خود را به لشکر رزمنده رنجبران - که بار اساسی جنبش مقاومت را برشانه های خود حمل می کنند - در آمیزد. ولی استعمار و ارتجاع با هراس مرگ آور از این در آمیزی همه امکانات شان را در خدمت گرفته اند تا با استفاده از این خلاء موقت به امیال ضد ملی و ارتجاعی خود برسند و نگذارند جنبش مقاومت عظیم مردم مابه یک انقلاب واقعی رهائی بخش ملی وضد ارتجاعی تکامل نمایند.

روسها ودولت مزدور با تشخیص این مجموعه از نقاط ضعف که به وسیله نیروهای ارتجاعی و وابسته برجانبش مقاومت ما تحمیل شده و مردم مارا در وضعی قرار داده که آماده فریب خوردن شوند، می کوشند با طرح سیاست های جدید وبا استفاده از فضای سایه روشن تبانی اخیر (که عواملش خلاصتاً اشاره شد) وبا در نظر داشت وضع منطقه که به گفته معروف (هرکس برای مقصد خود دلبری کند) جنبش مقاومت ما رادر گرداب این سیاست ها و تبانی ها استحاله نماید.

دولت مزدور که حال از نفس افتاده و "کش" انحصار طلبی قدیم خود را ندارد از ارتجاع و وابستگان امپریالیسم رقیب امداد می طلبد تا سهم پیشین خود را در استثمار خلقها و استعمار شان وسرکوب نهضت اصیل انقلابی و ملی قبول نمایند و اکنون روی چند وچونی این مسأله و تقسیم باهم دیگر چانه می زنند. در این صورت است که "کنفرانس ژنو" که زیر نظارت و رهبری دو ابرقدرت در جریان است محل خوبی برای این معامله گری تشخیص شده است.

روسها برای خروج نیروهای نظامی خود و انجام معاملات و تبادل امتیازات حاصل از تفاهم و تبانی با امپریالیسم رقیب، به علاوه میانجی، قبل از همه ضرورت شدید به "بینی خمیری" دارند. برای رسیدن به این آرزو با تمنای فراوان از همتای غربی خود کوشش می نماید تا در "کنفرانس ژنو" با بینی بریده در مقابل نمایندگان فرمایشی قسمتی از جنبش مقاومت نیز قرار نگیرد. همتای غربی اش نیز به پاس همخونی، هم سرشتی و تبانی اخیر این اجازه را به وابستگان خویش نداد، بدین ترتیب مقاولات و قرار دادهای "ژنو" نه تنها بدون در نظر داشت اراده

خلل ناپذیر رزمندگان آزاده مردم قهرمان به خون نشسته ما و نمایندگان واقعی شان به امضاء رسید که حتی رهبران فرمایشی مقاومت نیز با رسوائی تمام در حاشیه ماندند. بنابراین وضعیت دولت مزدور تا اکنون مسایل مطروحه در "کنفرانس ژنو" را با بی شرمی تکراری به خاطر "حل مسأله اوضاع اطراف افغانستان" می خواند .

با این حال به شکل تأسف انگیزی با استفاده از این جریانات می خواهد "آفتاب را با دو انگشت پنهان" نماید و بدین طریق از آتش فشانی انکار نماید که شعله های آن تا دور دست ترین نقاط جهان دشمن تجاوزگر را تعقیب می نماید. البته بنابر عوامل متذکره با به اجراء در آمدن کامل مواد قرارداد های "کنفرانس ژنو" و پیاده شدن پلان های پشت پرده ، تغییرات مهمی در اوضاع سیاسی افغانستان قابل پیش بینی است. همپنان الزامات جدیدی در دو کشور همسایه به ویژه پاکستان به عنوان پشت جبهه مقاومت به وجود می آید که بنابر آن رزمندگان آزاده افغانستان باز هم در شرایط بدتری قرار خواهند گرفت .

با این حال برای جلوگیری از رشد تکامل و تعالی جنبش مقاومت دلیرانه خلق ما تا یک انقلاب آزادیبخش ملی ، ضد ارتجاعی و پیروزی آن وکوشش برای به انحراف کشیدن آن "اتودینامیزم" که ما سال های قبل روی آن صحبت نموده بودیم ، اکنون تمام مؤثرات حاصل از تبنای و تفاهم موقت امپریالیستی و مؤثرات منطقه ئی و بین المللی و توازنات داخلی دست به دست هم داده با مانور و خدعه وبا استفاده از نقاط ضعف برشمرده شده (در حال پیشروی اند .) می خواهند واقعیت فاسد جدیدی را جانشین واقعیت فاسد پارینه سازند .

سوم : راهی را که اکنون باید پیمود : سیمای کلی اوضاع کنونی را به اساس توضیح جریانات فوق در حد ممکن ترسیم نمودیم . در میان این سیمای کلی دوجریان اساسی با دو سرشت و ماهیت متضاد و مخالف در وجود سه نیروی درگیر به مشاهده می رسد که به ویژه در این لحظه حساس در حال مبارزه سرنوشت ساز بسر می برند:

جریان اولی جریان نیست با ماهیت وابستگی، ارتجاعی که در خود انقیاد ، بردگی ، استثمار ، خفقان ، انحصار طلبی و استبداد را حمل و نمایندگی می کند . این جریان شامل دو نیروست که ضمن همسرشتی در تقابل و تضاد موقتی نیز بوده است . یکی نیروی وابسته به استعمار گر روس ، دیگری نیروی ارتجاعی وابسته به رقبای روس .

جریان وروند اساسی دوم ، جریان وروند نیست آزادیخواهانه ، انقلابی و ملی که آزادی ، دموکراسی ، عدالت و ترقی اجتماعی را نمایندگی می کند .

نتایج مبارزه و نبرد این دو جریان اساسی در وجود سه نیروی متذکره تعیین کننده و مشخص کننده ای سر نوشت جنبش مقاومت جامعه و انقلاب می باشد.

تبنای های اخیر بین ابر قدرت ها معامله گری های جدید از جمله مسایل مطروحه در "کنفرانس ژنو" روی جریان وروند اولی کار می کند و مصروف معامله نزدیک ساختن و آشتی دو نیروی شامل در این جریان است که در صورت عدم موفقیت نزدیکی لازم میان این دونیرو (ارتجاع و استعمار) در پی سازماندهی نیروی سومی خواهد شد که نقش میانجی در بین دو نیرو را داشته باشد و در جهت تعادل قاء میان شان بکوشد .

همچنان باید در نظر داشت که نیروهای انحصار گر و ارتجاعی وابسته از یکسو ، و نیروهای دولت مزدور از سوی دیگر می کوشند تا جنبش مقاومت ملی ضد استعماری خلق مارا تبدیل به جنگی برای تحکیم و استقرار قدرت انحصار گرایانه خود سازند وتوده های ملیونی مردم نا آگاه مارا به عنوان گوشت دم توپ مورد استفاده آمال و آرزوهای استعماری وارتجاعی خود قرار دهند. در اینصورت وظیفه مردم آزاده و ستمدیده و نیروهای ملی – انقلابی و آزادیخواه است تا این جنگ را به جنگ واقعی ضد استعماری و ضد ارتجاعی تبدیل نمایند.

از جایی که منافع طبقات محروم و ستمکش افغانستان – که قهرمان واقعی جنگ کبیر میهنی اند – و همه نیروهای انقلابی – ملی، آزادیخواه و غیر وابسته در قطب مخالف جریان اولی قرار دارد و این جریان دومی بنابر ماهیت خود در حال تکامل است و بنابر قانونمندی های عینی تکاملی جامعه، هیچ نیرویی را یارای جلوگیری از این تکامل نیست، حرکت این جریان هم سمت با حرکت تکامل تاریخ است. در نتیجه این حرکت خلق قهرمان ما باید این جنبش مقاومت قهرمانانه را با رهائی از قید و بند های ارتجاعی استعماری، به انقلاب با عظمت ارتقاء و تکامل دهد که در نتیجه آن تمام زنجیر های انقیاد، وابستگی، ظلم و بی عدالتی و عقب ماندگی در تمام اشکال آن از اساس و پایه فروریزد. فقط از این، طریق توطئه ها، خدعه ها و معامله گری های استعماری و ارتجاعی خنثی و نقش بر آب می شود و مردم قهرمان ما در تمام ساحات درونی و بیرونی خود حاکم سرنوشت خود می شوند.

برای تحقق این هدف مقدس بایست همه عناصر جریان دومی یعنی: همه نیروهای ملی – انقلابی، وطن دوست و آزاده، غیر وابسته و مترقی در محور شعار ملی و انقلابی بسیج گردد – به دور از انحصار طلبی ها، تعصب گرایی ها و خورده کاری های خود اندیشانه یک اتحاد وسیع ملی و انقلابی را اساس گذاری نمایند. تا در چنین برهه تاریخی مهم که خیانت ملی و ضد انقلابی از سوی امپریالیستها و وابستگان شان در حال تکوین است با احساس رسالت و مسؤولیت تاریخی ملی خویش دین شان را ادا نمایند. قبل از همه نیروهای متشکل انقلابی – ملی و غیر وابسته وظیفه دارند تا بیدریغانه در جهت تحکیم ارتباط و ایجاد پایه های اساسی این اتحاد بکوشند. تا بر اساس تحقق این اتحاد بتوان دامنه آنرا گسترش بخشید در تمام محل ها و ساحات به ویژه با تشکل های مستقل محلی، قومی اقلیتی و ... این اتحاد را پیوند زد. عناصر روشنفکر آزاده و میهن دوست ما می توانند در اشکال مختلف تشکل های اتحادیه ای را سازمان بخشیده و گسترش دهند و این تشکل ها را با اتحاد وسیع ملی و انقلابی در ارتباط آورده و پیوند بزنند.

وظیفه همه نیروهای ملی و انقلابی و غیر وابسته است تا در تمام این زمینه ها به ویژه با رزمندگان سنگر نشین و آزاده و مردم قهرمان ما به کار روشنگرانه بپردازند.

مردم آزاده، قهرمان و ستمکش ما به عنوان لشکر اساسی نبرد پر عظمت ضد تجاوزی، در جریان ده سال مقاومت افتخار آفرین باید به خوبی دریافته باشند که هیچ قدرت، نظام و دولتی را یارای ایستادگی در برابر خیزش طوفانی آنها نیست. این سپاه مردمی برای پیروزی واقعی باید رهبران واقعی خود را دریابند و بادر آمیزی با تشکل های سیاسی پیش آهنگ خود – که در میدان رزم، صداقت، پایداری، عدم وابستگی و عشق شان به توده های محروم و مظلوم رابه اثبات رسانده اند این انقلاب پیروز مند را متحقق سازند. تا این انقلاب درفش آزادی را بر فراز قلل پر افتخار افغانستان واقعاً مستقل، آزاد، مترقی و شگوفان به اهتزاز در آورد. به امید این پیروزی.

" به هم یگانه شوید ای عقابهای غیور که کرگسان پی تاراج تان یگانه شدند."

(پایان)

اقتباس از: شماره هفدهم دوره سوم (ندای آزادی) سال ۱۳۶۷ مطابق می ۱۹۸۸ میلادی ارگان نشراتی سازمان

آزادبخش مردم افغانستان